

گفت و گو با متهمی که بعد از قتل همسرش، جسدش را به آتش کشید

بدترین راه را انتخاب کردم

امیرعلی
حقیقت طلب
تپش

همسرش را کشته و این اتهامی است که به دلیل آن بازداشت شده است؛ متهم جوانی که برای از بین بردن سرنخ‌ها جسد را به آتش کشید و در تمام مراحل تحقیقات سعی می‌کرد با صحنه‌سازی، خود را بی‌گناه جلوه دهد؛ در کمتر از ۱۲ ساعت تصمیم به قتل همسرش گرفت و او را به قتل رساند. این هفته رودررو او نشستیم و از ماجرای قتل همسرش گفت.

چه کسی ناپدید شدن مینو را گزارش کرد؟

مادر مینو با ناپدید شدن او به اداره آگاهی رفته و اعلام کرده بود از شب گذشته دخترشان ناپدید شده است. پدر و مادر مینو از همان روزهای اول به من مشکوک بودند و در تحقیقات هم عنوان کرده بودند من و مینو باهم اختلافات زیادی داریم. مینو حتی مهریه‌اش را به اجرا گذاشته بود و درگیری‌های زیادی باهم داشتیم.

جسد پیدا شد؟

بله. چند روز بعد از قتل رهگذری در حال عبور از روستای توچال با جسد همسرش روبه‌رو می‌شود. گرچه جسد سوخته بود و هیچ مدرک شناسایی همراه نداشت و اهالی روستا نیز او را شناسایی نکرده بودند اما از آنجا که ناپدید شدن مینو از سوی پدر و مادر زنم گزارش شده بود با توجه به شباهت مینو با جسد کشف‌شده، احتمال می‌رفت جنازه متعلق به همسر من باشد. از ما خواسته شد برای شناسایی هویت جسد به پزشکی قانونی برویم که جسد را شناسایی کردیم.

ولی اولین بار که از تو تحقیق شد، چیز دیگری گفتی؟

گفتم با همسر هیچ اختلافی ندارم. حتی گفتم شب قبل که مادرش اعلام کرده بود مینو ناپدید شده، همسر من در خانه بوده است. من صبح روز بعد برای انجام کارهایی، خانه را ترک کرده و بعد از آن به خانه خواهرم در اطراف تهران رفته و او و کودک چهارساله خواهرم را سوار خودرویم کرده و به خانه‌مان آوردم. به خانه که رسیدیم، یادم آمد افتاد مدرک شناسایی خواهرم نیست و دوباره همراه مینو، خواهرم و خواهرزاده‌ام به خانه خواهرم رفتیم و مدارک را برداشته و دوباره چهار نفری

راهی تهران شدیم. صبح روز بعد با خواهرم برای انجام کاری از خانه خارج شده و بعد به تولیدی محل کارم رفتم و آنجا بودم که مادر مینو تماس گرفت و گفت از او خبری نیست.

با تماس مادر مینو چه کار کردی؟

باید همه چیز را طبیعی نشان می‌دادم و برای همین سریع راهی خانه شده و سعی می‌کردم خودم را نگران و ناراحت نشان دهم و همراه آنها به جست‌وجوی مینو بپردازم.

چه شد که به تو مشکوک شدند؟

اختلافاتی که با همسر داشتم به کنار، خانه خواهرم نزدیک محل رهایی جسد بود. از سویی وقتی مأموران راهی خانه‌مان شدند، مادر مینو متوجه ناپدید شدن روفشی قرمز خانه شده بود.

چه شد به دام افتادی؟

پرونده‌ام که به دادسرای جنایی انتقال داده شد، در ادامه تحقیقات مدارکی به دست آمد که نشان می‌داد من در این جنایت نقش دارم. این بار به اتهام اخفای ادله جرم بازداشت شدم. بازهم سعی داشتم با صحنه‌سازی مسیر تحقیقات را تغییر دهم و خودم را بی‌گناه نشان دهم، اما این بار فیلم‌هایی که بازی کردم به جایی نرسید و آن قدر مدارک و دلایل علیه خودم دیدم که ناچار به اعتراف شدم.

چرا این قتل را انجام دادی؟

با همسر مشکل داشتم. مدت‌ها بود اختلاف داشتیم. درگیری‌های ما ادامه داشت تا این که پدرم فوت کرد و دریکی از این بحث‌ها او به پدرم فحاشی کرد. همین موضوع و اختلافات قدیمی باعث شد نقشه قتل او را طراحی کنم، اما این نقشه زمانی قوت گرفت که همان روز

به دنبال خواهرم رفتم و او را به خانه‌مان آوردم. او با دیدن خواهرم دوباره شروع به داد و فریاد و فحاشی کرد. به بهانه این که مینو را آرام کنم او را سوار خودروی پژو ۴۰۵ کردم و همراه خواهرم و کودک چهارساله‌اش راهی اطراف تهران شدیم. در کنار دره به بهانه این که لاستیک خودرو پنچر شده، توقف کردم و از مینو خواستم از ماشین پیاده شود و به من در پنچرگیری کمک کند. مینو با من از خودرو پیاده شد و من در فرصتی مناسب او را خفه کردم.

خواهرت متوجه این جنایت نشد؟

صدای کمک‌خواهی همسرم و التماس‌های او برای این که او را نکشم، باعث شد خواهرم از ماشین پیاده شود. او با دیدن آن صحنه به من التماس کرد مینو را رها کنم ولی آن لحظه اصلاً چیزی نمی‌شنیدم. از زمانی که تصمیم به قتل گرفتم تا آن را اجرا کردم، شاید حدود ۱۲ ساعت طول کشید، البته شاید کمی بیشتر. ولی حالا که همه چیز تمام شده و زندگی همسر من و خودم را به نابودی کشاندم، با خودم می‌گویم راه‌های دیگری هم بود و من بدترین راه را انتخاب کردم.

بعد چه کردی؟

جسد مینو را داخل دره انداختم و روی آن بنزین ریختم و جنازه را به آتش کشیدم. بعد هم از خواهرم خواستم در این مورد حرفی نزند.

فکر می‌کردی بازداشت شوی؟

اگر بگویم فکرش را نمی‌کردم، دروغ گفته‌ام. هراس و ترس بازداشت شدن همیشه همراه یک قاتل هست حتی اگر به خارج از کشور هم فرار کند. کابوس لحظه جنایت مرا ترک نکرد، اما مدام خودم را با این جملات که هیچ رد و سرنخی به جا نگذاشته‌ام، آرام می‌کرد، ولی می‌دانستم که روزی بازداشت می‌شوم. از آنجا که قتل هم در اطراف تهران رخ داده است، پرونده‌ام به همان دادسرا ارجاع شد، اما ای‌کاش زمانی که تصمیم به این جنایت داشتم، کمی فکر می‌کردم. مینو را نباید می‌کشتم.



در جریان یکی از
دعواهایی که با هم
داشتیم او به پدرم
فحش داد که آنجا
تصمیم به قتل او
گرفتم. بعد از قتل برای
اینکه هویتش فاش
نشود، جسد را
به آتش کشیدم



آگهی فروش

گیلان - رشت - براصلی کمربندی خرمشهر،
نیش کوی امام رضا، زمین سنددار، سه‌بر
کاربری تجاری، ۲۷۷۰ متر، متری ۱۸ میلیون
تلفن: ۰۹۱۱۶۰۰۰۰۸۹

سند قطعی منقول به شماره سند ۶۹۳۰ دفترخانه
۱۴۵ رشت و سند کمپانی پیکان تاکسی ۱۶۰۰
رنگ نازنجی سفید روغنی مدل ۱۳۷۶ شماره
موتور 11127668063 شماره شاسی 76471229
و شماره پلاک ۵۱۴ ت ۲۱ - ایران ۴۶ به نام علی
رفعت خواجکینی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

پروانه کسب رسته شغلی خرده فروشی پیچ و
مه‌ره از اتحادیه صنف فروشندگان ابزار و یراق آلات
شهرستان اصفهان به شناسه صنفی ۰۴۶۷۵۸۱۵۸۴
تاریخ صدور ۱۴۰۰/۰۴/۰۹ و کد اسیک ۵۲۳۴۱۶ متعلق
به محسن ساوجی فرزند ابوالقاسم به شماره ملی
۱۲۹۰۷۱۲۳۲۸ مفقود شده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مجوز حمل سلاح شکاری مدل ۵ تیر
نیمه اتوماتیک به شماره ۰۷۱۵۳۱۸۹۵۹
کالیبر ۱۲ ساخت روسیه متعلق به سید
اسداله صالحی نیک فرزند سید مصطفی
به شماره سریال ۲۹۳۴۶۴۱۳۰ و تاریخ اعتبار
۱۴۰۰/۰۲/۱۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.